

ضرورت بازنگری در کتاب آرایه‌های ادب‌سوم انسانی

محمد قاسمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی
و دبیر زبان و ادبیات فارسی مرکز
استعدادهای درخشان شهرستان بناب

چکیده

سه علم معانی، بیان و بدیع عمده‌ترین مباحث بلاغت زبان عربی و فارسی هستند که درک زیبایی‌های آثار ادبی تا حدود زیادی در گرو آشنایی با آن‌هاست. علوم بلاغی، همواره در معرض نقد و تغییر و تحول بوده‌اند، بنابراین، ضروری است که کتب درسی هم متناسب با تغییرات موجود و معقول، بازنگری و اصلاح شوند. کتاب آرایه‌های ادبی دوره متوسطه دوم از معدود کتاب‌های موفق درسی است که توانسته است رضایت نسبی معلمان و دانش‌آموزان را به دست آورد ولی با این همه، ناگزیر از بازنگری و اصلاح مواردی در این کتاب هستیم. در این مقاله، ضمن مروری بر کتب مهم بلاغی عربی و فارسی، به صورت اجمالی به محاسن و معایب کتاب آرایه‌های ادبی اشاره و پیشنهادهایی نیز برای رفع کاستی‌های موجود ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: بلاغت، آرایه‌های ادبی، معانی، بیان، بدیع.

۱. مقدمه

درک زیبایی‌های آثار ادبی در گرو آشنایی با علوم بلاغی است که سه علم معانی، بیان و بدیع را در برمی‌گیرد. در برخی کتب بلاغی سنتی، عروض و قافیه را نیز همراه آن‌ها آورده‌اند. علم معانی دانشی

است «که به وسیله آن، الفاظ و کلام را، از لحاظ برابر بودن با مقتضای حال و مقام و شأن شنونده می‌توان شناخت» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۴۸). علم بیان هم ایراد معنای واحد است به طرق مختلف؛ به گونه‌ای که از نظر دلالت بر آن معنی، بعضی آشکار و بعضی آشکارتر و بعضی پوشیده باشد (سکاکی، ۱۳۴۸: ۱۴۰)، (همان: ۵۳۸). خطیب قزوینی در «الایضاح»، بدیع را علمی می‌داند که «یعرف به وجوه تحسین الکلام بعد رعایة تطبیقه علی مقتضی الحال و وضوح الدلاله»^۱ (خطیب قزوینی، بی‌تا: ۱۹۰).

تاکنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه علوم و کتب بلاغی صورت گرفته و ضروری است که در تألیف کتب درسی از نتایج چنین تحقیقاتی استفاده شود ولی کتاب آرایه‌های ادبی سال سوم انسانی، سال‌هاست بدون تغییر باقی مانده است و تغییر جزئی صورت گرفته هم - حذف مبحث تشبیه مرکب - نقص بزرگ این کتاب به نظر می‌رسد. با مروری گذرا بر آثار بلاغی سنتی و نارسایی‌های آن‌ها و از نظر گذراندن آثاری که سعی کرده‌اند طرحی نو در اندازند و عیوب موجود در کتب گذشتگان را رفع نمایند، سؤالاتی در ذهن ما دبیران ادبیات ایجاد می‌شود که برخی از آن‌ها از این قرار است: آیا در طول این سالیان طولانی، کتاب آرایه‌های

ادبی آسیب‌شناسی شده است؟ برای رفع برخی اشکالات جزئی موجود در آن، که بعضاً توسط دبیران محترم ادبیات هم اطلاع‌رسانی شده، چه اقداماتی صورت گرفته است؟ دبیران ادبیات که مسئولیت تدریس این کتاب را برعهده دارند و از نزدیک و به‌طور محسوس با مسائل و مشکلات یاددهی و یادگیری درگیرند، در تدوین این کتاب چه نقش و جایگاهی داشته‌اند؟ آیا هنوز زمان بازنگری در کتاب آرایه‌های ادبی فرا نرسیده است و این کتاب باید به همین صورت، همچون میراثی از نسلی به نسلی دیگر منتقل شود؟ آیا طبقه‌بندی صنایع بدیع در این کتاب به دو بخش لفظی و معنوی کفایت می‌کند؟

در این مقاله مختصر با مروری بر کتب بلاغی عربی و فارسی و ذکر نارسایی‌های آن‌ها به نقد کتاب آرایه‌های ادبی و ضرورت بازنگری در تدوین آن می‌پردازیم و در پایان هم برای رفع کاستی‌های موجود، پیشنهادهایی می‌دهیم.

۲. نگاهی اجمالی بر کتب بلاغی عربی و فارسی

تاکنون در دو زبان عربی و فارسی، کتب متعددی در موضوع بلاغت نوشته شده است. در زبان عربی تحت‌تأثیر قرآن کریم در قرون اولیه، کتبی با نام معانی القرآن

نوشته شد که در آن‌ها مطالبی در مورد علوم بلاغی یافت می‌شود.

در دوره‌های بعد، افرادی چون اصمعی (متوفی، ۲۱۷ هـ.) در «معانی الشعر»، جاحظ (متوفی ۲۵۵ هـ.) در «البيان و التبيين»، ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶ هـ.) در «ادب الکاتب»، مبرد (متوفی ۲۸۵ هـ.) در «الکامل فی اللغة و الادب»، ثعلب (متوفی ۲۹۱ هـ.) در «قواعد الشعر»، ابن معتمر (متوفی ۲۹۶ هـ.) در «البدیع»، محمد بن طباطبایی (متوفی ۳۲۲ هـ.) در «عیار الشعر»، قدامه بن جعفر (متوفی ۳۳۷ هـ.) در کتب «نقد الشعر» و «نقد النثر»، ابوهلال عسگری (متوفی ۳۹۵ هـ.) در «الصناعتین»، ابن رشیق قیروانی (متوفی ۴۵۶ هـ.) در «العمده فی محاسن الشعر و آدابه» به بلاغت و مسائل مربوط بدان پرداخته‌اند تا اینکه عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ هـ.) با دو کتاب «دلائل الاعجاز» (معانی) و «اسرار البلاغه» (بیان) بلاغت را به کمال خود رسانید. در واقع، کتب بلاغی او در زبان عربی، اساس بلاغت به شمار می‌روند.

در دوره‌های بعد، افرادی چون زمخشری (متوفی ۵۳۸ هـ.) در «اساس البلاغه»، سکاکی (متوفی ۴۷۱ هـ.) در «مفتاح العلوم»، ابن اثیر (متوفی ۶۳۷ هـ.) در «المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر»، خطیب دمشق (متوفی ۷۳۹ هـ.) در «تلخیص المفتاح»، سعید تفتازانی (متوفی ۷۹۳ هـ.) در «مطول» و «مختصر المعانی»، قلقشندی (۸۲۱ هـ.) در «صبح الاعشی»، سیوطی (متوفی ۹۱۱ هـ.) در «المزهر»، پیرو عبدالقاهر و تشریح‌کننده مطالب او هستند. بلاغت عربی از قرن نهم هیچ‌گونه نوآوری و درخششی ندارد و کتاب قابل‌ذکری هم در این زمینه دیده نمی‌شود و هر چه هست، تکرار بی‌هوده مکررات است.

در بلاغت فارسی تا قرن پنجم کتاب مستقلی در دست نیست. شاید علت اصلی این امر، آشنایی ایرانیان با زبان عربی و بی‌نیاز دانستن خویش از پرداختن به این موضوع باشد. محمد بن عمر رادویانی در قرن پنجم، «ترجمان البلاغه» را به زبان

فارسی تألیف کرده است که تا مدت‌ها آن را به فرخی نسبت می‌دادند و با پیدا شدن نسخه‌ای، استاد احمد آتش معلوم کرد که از آن رادویانی است. در قرن ششم نیز، رشید و طواط، «حدائق السحر فی دقایق الشعر» را نوشت و برخلاف ادعای خود، حداکثر، کاری در حد «ترجمان البلاغه» توانسته است ارائه دهد. در قرن هفتم، شمس قیس رازی، مهم‌ترین اثر بلاغی فارسی، «المعجم فی معاییر اشعار العجم» را تألیف کرده است. در زبان فارسی دوره‌های بعد نیز اثر شاخصی دیده نمی‌شود و اگر هم باشد، تکرار مطالب کتب اولیه بلاغت عربی و

علم معانی مهم‌ترین بخش بلاغت و میدان هنر‌نمایی‌های ناپیدای شعرا و نویسندگان است

فارسی است. از معروف‌ترین کتاب‌های دوره‌های بعد، «حدائق الحقایق» از شریف‌الدین حسن بن محمد رامی، «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار» از ملاحسین واعظ کاشفی، «مدارج البلاغه» از رضاقلی خان هدایت، «ابدع البدایع» از شمس‌العلماء گرگانی، «دره نجفی» از نجفقلی میرزا، «فنون بلاغت و صناعات ادبی» از علامه همایی و «معالم البلاغه» از محمدخلیل رجایی را می‌توان نام برد. بعد از کتب فوق کتاب‌های درسی بلاغت فارسی قرار می‌گیرند که در دهه‌های اخیر نوشته شده‌اند.

سارلی و سعادت درخشان در مقاله‌ای با عنوان «دوره‌بندی تاریخ دانش بلاغت فارسی»، کتب بلاغی را با توجه به محتوای آن‌ها به چهار دوره تقسیم کرده‌اند که به

خوبی سیر تاریخی نوشتار کتب بلاغت فارسی را نشان می‌دهد. این چهار دوره به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

۱. «دوره بومی‌سازی (از قرن پنجم تا هفتم هجری) که دوره آغازین بلاغت فارسی است؛

۲. دوره شرح و تقلید (از قرن هشتم تا پیش از دوره معاصر) که عصر شرح‌نویسی بر کتاب‌های دوره بومی‌سازی است؛

۳. دوره هندی‌گرایی (مقارن با رواج سبک هندی) که در آن فارسی‌نویسان هند و سبک هندی می‌کوشند سخن فارسی را به میزان نظام بلاغی برگرفته از هندی برسجند؛

۴. دوره بلاغت مدرسی (دوره معاصر) که دوره متأخرتر است و کتاب‌های درسی بلاغت فارسی را شامل می‌شود» (سارلی و سعادت درخشان، ۱۳۸۹: ۸).

۳. نقد کتاب آرایه‌های ادبی

با توجه به نقش محوری کتاب‌های درسی در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان کلیه دوره‌ها، ضروری است که این کتب را به‌طور مستمر معلمانی نقد و بررسی کنند که آن‌ها را آموزش می‌دهند و به‌صورت مستقیم و محسوس در فرایند یاددهی و یادگیری آن‌ها مشارکت دارند، تا در نهایت کاستی‌های احتمالی این کتاب‌ها رفع گردد.

کتاب آرایه‌های ادبی سال سوم انسانی یکی از کتب موفق در امر آموزش علوم بلاغی در دهه‌های اخیر است که با وجود محاسن زیادی که می‌توان برای آن برشمرد، بازنگری و تغییراتی در ارائه مطالب آن، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در این بخش، با مروری بر محاسن و کاستی‌های این کتاب پیشنهادهایی نیز جهت رفع آن‌ها ارائه می‌شود.

۳-۱- محاسن و نقاط قوت کتاب

- زبان ساده و روان کتاب، که موجب انس و الفت خواننده با آن می‌گردد و در امر یادگیری بسیار مؤثر است.
- وجود رگه‌هایی از نقد در تبیین و تشریح آرایه‌ها.
- تشریح و تبیین آرایه‌ها با آوردن مثل‌ها



● آوردن قالب‌های شعر فارسی

در مبحث بلاغت: بهتر است مبحث قالب‌های شعری با عنوان «بیاموزیم» در آخر درس کتاب ادبیات فارسی سوم انسانی آورده شود تا هم روال کتاب‌های ادبیات فارسی سال اول و دوم استمرار یابد و هم دانش‌آموزان، قالب‌های شعری را بعد از شعری که بدان قالب اختصاص دارد یاد بگیرند و در کتاب آرایه‌های ادبی هم فقط مباحث بلاغی آمده باشد.

● بی‌توجهی به علم معانی: علم

معانی مهم‌ترین بخش بلاغت و میدان هنرنمایی‌های ناپیدای شعر و نویسندگان است که در این کتاب بدان اشاره و توجهی نشده است. با حذف بخش قالب‌های شعر فارسی، می‌توان به اجمال به این موضوع هم پرداخت.

● جای خالی برخی آرایه‌ها: صنایع

چون اسلوب معادله و تشبیه مرکب بهتر است آورده شود. حذف مبحث تشبیه مرکب از یک طرف، توضیح اسلوب معادله را با مشکل مواجه می‌سازد و از طرف دیگر، دانش‌آموزان انسانی در تشخیص ارکان تشبیه در این نوع تشبیهات سردرگم می‌شوند. به‌خصوص در درس وصف ابر در کتاب ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، که اوج هنر فرخی آوردن همین تشبیهات مرکب است.

● استفاده نکردن از مطالب کتب

ادبیات دبیرستان در امثال و خودآزمایی دروس آرایه‌های ادبی: بهتر است در تبیین آرایه‌ها یا برای قسمت خودآزمایی، از مطالبی که دانش‌آموزان در کتب ادبیات خود خوانده‌اند استفاده شود.

● نبود طبقه‌بندی مناسب آرایه‌های

علم بدیع: این بحث باید به‌صورت جدی مورد توجه قرار گیرد و ما در ادامه مطلب در بخشی جداگانه آن را بررسی می‌کنیم.

۴. طبقه‌بندی صنایع ادبی

پیشینه طبقه‌بندی علوم بلاغی به قرن پنجم برمی‌گردد. اولین بار، عبدالقاهر جرجانی در کتاب‌های اسرارالبلاغه و

۲-۳- نارسایی‌ها و کاستی‌های کتاب

همه کتب بلاغت فارسی و عربی از آغاز تاکنون نارسایی‌هایی داشته‌اند که بیشتر آن‌ها در علم بدیع نمود دارد.

برخی از مهم‌ترین این نارسایی‌ها عبارت‌اند از: نارسایی در تعاریف، افزایش بی‌مورد اصطلاحات، طرح فنون ادبی عربی در فارسی، طرح تفنن در کنار صنعت، بی‌توجهی به برخی از آرایه‌ها و زیبایی‌های کلام، بی‌توجهی به طبقه‌بندی صنایع و اغتشاش در طرح مطالب با وجود اینکه سعی شده است کاستی‌های مذکور در کتاب آرایه‌های ادبی برطرف گردد، هنوز نارسایی‌هایی دیده می‌شود که در برخی موارد در امر یاددهی - یادگیری اختلال ایجاد می‌کند. برخی از این نقایص همراه با پیشنهادی برای رفع آن‌ها فهرست‌وار عبارت‌اند از:

و نمونه‌های مناسب در ابتدای درس و توضیح آن‌ها.

● آوردن نکات مهم هر درس در پایان آن به‌صورت مختصر و مفید.

● توجه به برخی از آرایه‌ها که در کتب بلاغی به آن‌ها اشاره‌ای نشده است؛ همچون واج‌آرایی، حس‌آمیزی و تناقض.

● تناسب هر درس با ساعت درسی اختصاص یافته بدان

● استفاده از طرح سؤال در توضیح امثال برخی از آرایه‌ها

● بیان علل به‌وجود آمدن برخی از آرایه‌ها، همچون مجاز

● آوردن امثال از شعر و نثر که باعث می‌شود دانش‌آموز درک کند که آرایه‌ها مختص شعر نیستند بلکه بین شعر و نثر مشترک‌اند.

● آوردن تصاویر برخی از شاعران در اول برخی از دروس (مربوط به آرایه‌ای که در آن شهرت دارند).

فنون بدیعی							
۲. معنوی				۱. لفظی			
۲-۵-روش تعلیل و توجیه	۲-۴-روش ترتیب کلام	۲-۳-روش ایهام	۲-۲-روش تناسب	۱-۲-روش تشبیه	۱-۳-روش تکرار	۱-۲-روش تجنیس	۱-۱-روش تسجیع
حسن تعلیل	لف و نشر	ایهام	مراعات‌النظیر	اغراق	واج‌آرایی	جنس	سجع
سؤال و جواب	سیاق‌الاعداد	ایهام‌تناسب	تضاد	اسلوب‌معادله	تکرار	انواع جناس	انواع سجع
	تنسيق الصفات		تناقض		تصدير	اشتقاق	ترصیع
			تلمیح				موازنه
			تضمین				
			حسن‌آمیزی				

نیز در آن دیده می‌شود. بنابراین، ضرورت دارد که این کتاب بازنگری و کاستی‌های آن رفع شود. علاوه بر معایب جزئی که به آن‌ها اشاره شد، عمده‌ترین نقص این کتاب، اکتفا کردن به طبقه‌بندی صنایع بدیعی در دو گروه لفظی و معنوی و عدم توجه به علم معانی در این کتاب است. گنجاندن علم معانی به جای بخش قالب‌های شعر فارسی و طبقه‌بندی مناسب صنایع بخش بدیع با توجه به رهیافت‌های معاصر، این کاستی‌ها را رفع و آن را به منبع مرجعی در این زمینه در سطح دانش‌آموزان تبدیل خواهد کرد.

پی‌نوشت

۱. بدیع، علمی است که به وسیله آن، وجوه تحسین کلام شناخته می‌شود؛ البته بعد از رعایت مطابقت با مقتضای حال (علم معانی) و رعایت وضوح دلالت (علم بیان).

منابع

۱. خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمان (بی‌تا)، *الایضاح فی علوم البلاغه*. بیروت: مؤسسه‌الکتاب الثقافیه.
۲. رضازاد (نوشین)، غلامحسین. (۱۳۶۷). *اصول علم بلاغت*. چاپ اول. تهران: انتشارات الزهراء.
۳. سارلی، ناصرقلی؛ سعادت درخشان، فاطمه. (۱۳۸۹). *دوره‌بندی تاریخ دانش بلاغت فارسی*. نقد ادبی سال ۳، شماره ۱۰ صص ۳۳-۷.
۴. سکاکی ابویعقوب یوسف. (۱۳۴۸). *مفتاح‌العلوم*، مصر، ۱۳۸۴.
۵. شمیسا، سیروس. *نگاهی تازه به بدیع چاپ دوم*. تهران: فردوس.
۶. صفوی، کوروش. (۱۳۷۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. جلد اول (نظم). چاپ اول. تهران: نشر چشمه.
۷. هادی، روح‌الله. (۱۳۹۱). *آرایه‌های ادبی*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

نبود تقسیم‌بندی در صنایع بدیعی موجب می‌شود که دانش‌آموزان همه آرایه‌ها را جدا و مجزا از یکدیگر بیندارند و ارتباط برخی از آن‌ها را به درستی درک نکنند و گاهی دچار اشتباه شوند یا برای موردی، هم‌زمان دو آرایه را در نظر بگیرند؛ مثلاً آرایه تلمیح که بر پایه تناسب شکل می‌گیرد، هم‌زمان تلمیح و مراعات‌النظیر محسوب شود. پیشنهاد می‌شود که تقسیم‌بندی استاد شمیسا در بخش بدیع اعمال شود که به دلیل سادگی و تناسب با سطح اطلاعات دانش‌آموزان بسیار مفید خواهد بود. در جدول بالا، طبقه‌بندی فنون بدیعی موجود در کتاب آرایه‌های ادبی با تغییرات اندکی براساس نظرات سیروس شمیسا نشان داده شده است.

۵. نتیجه‌گیری

«ترجمان‌البلاغه» اولین کتاب بلاغی فارسی است که در قرن پنجم هجری تحت‌تأثیر بلاغت عربی نوشته شد. در دوره‌های بعد هم کتب بلاغی فراوانی نوشته شد اما تعداد کتب موفق در این زمینه، انگشت‌شمار است. تعداد زیادی از این کتب با تراشیدن صنایعی که نقشی در زیبایی‌شناسی متون ادبی نداشتند، فقط بر تعداد آرایه‌ها افزودند. یکی از کتب موفق درسی در زمینه صنایع بلاغی، کتاب آرایه‌های ادبی سال سوم انسانی است. با وجود محاسن بسیاری که این کتاب درسی در آموزش آرایه‌های ادبی به دانش‌آموزان دبیرستانی دارد، کاستی‌هایی

دلالت‌الاعجاز مباحث علم بیان و معانی را به‌صورت مستقل بررسی کرده است ولی هنوز مباحث بدیع جدا نشده‌اند تا اینکه سکاکی در کتاب *مفتاح‌العلوم* مباحث بدیع را در دو بخش لفظی و معنوی، مجزا از مباحث بیان و معانی بررسی کرده است.

در بخش بدیع، همین تقسیم‌بندی تا این اواخر پابرجا بود تا اینکه برخی به طبقه‌بندی تازه‌ای همت گماشتند.

سیروس شمیسا از جمله افرادی است که با طبقه‌بندی نوینی توانسته است نشان دهد که هر صنعت، پدیده‌ای مجزا و مجرد نیست بلکه بین برخی از صنایع ارتباط منطقی و معقولی وجود دارد. او صنایع لفظی را با عناوین «روش تسجیع»، «روش تجنیس»، «روش تکرار» و «تفنن یا نمایش اقتدار» بررسی و صنایع معنوی را هم به «روش تشبیه»، «روش تناسب»، «ایهام»، «ترتیب کلام» و «تعلیل و توجیه» تقسیم کرده است. کورش صفوی نیز در کتاب «از زبان‌شناسی به ادبیات» صنایع بدیعی را از دیدگاه زبان‌شناسی طبقه‌بندی کرده است که هر چند علمی و روشمند می‌نماید اشکالاتی نیز دارد یا حداقل می‌توان گفت که در سطح دانش‌آموز دوره دبیرستان نیست. *پورنامداریان* و *طهرانی‌ثابت* هم در مقاله‌ای با عنوان «تداعی و فنون بدیعی» صنایع بدیع را براساس انواع تداعی در سه محور تشابه، مجاورت و تضاد طبقه‌بندی کرده‌اند.